

## کاربرد قدرت دریایی

غلامرضا طحانی<sup>۱</sup>

### چکیده

گسترده‌گی مرزهای دریایی جمهوری اسلامی ایران باعث افزایش عمق راهبردی کشور گردیده است و می‌دانیم که عمق راهبردی هر کشور در دریا عینیت پیدا می‌کند و هر کشوری که به دریاهای آزاد ارتباط داشته باشد هم تهدید دارد و هم فرصت. برای مثال در زمان بروز بحران‌های دریایی و کاهش امنیت مسیرهای مواصلات دریایی، شرکت‌های بیمه افزایش قیمت را اعمال و از این طریق فشار اقتصادی را بر کشورهای مورد نظر تحمیل می‌کنند. در اینجا است که اگر نیروی دریایی حضور مؤثر داشته باشد، این ترسند استکباری نیز خنثی می‌شود. با توجه به گسترده‌گی مرزهای آبی جمهوری اسلامی ایران در جنوب، تهدیدات آینده کشور ما در ابعاد فرامنطقه‌ای نیز دریای پایه پیش‌بینی می‌شوند. لذا با توجه به مؤثرتر بودن پاسخ به تهدیدات در دریا، تقویت قدرت دریایی از اولویت‌های کشور می‌باشد. قدرت دریایی متشکل از سه مؤلفه ناوگان نظامی، ناوگان غیرنظامی و علوم و زیرساخت‌های مربوطه می‌باشد ولی ما در این مقاله به جنبه ناوگان نظامی آن می‌پردازیم.

کاربردهای قدرت دریایی عبارتند از عملیات نظامی، اجرای عملیات انتظامی یا پلیسی و اجرای عملیات امدادی و صلح‌جویانه که در این میان با توجه به اهمیت کاربردهای نظامی قدرت دریایی، می‌توان آن‌را به دو زیر مجموعه تقسیم نمود.

الف- کاربرد نظامی از طریق دریا (نمایش قدرت)

ب- کاربرد نظامی در دریا (کنترل دریایی)

می‌دانیم که قدرت دریایی از ابتدای تشکیل آن، همواره با ترندهای گوناگون سعی بر تحمیل اراده سیاسی کشور متبوع خود بر طرف مقابل داشته است و با توجه به شرایط حاکم بر زمان خود از واژه‌های مختلفی استفاده نموده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به دیپلماسی ناوچه توپدار و نمایش قدرت اشاره نمود. در این مقاله به موارد مهمی از این قبیل می‌پردازیم.

### کلید واژگان:

قدرت دریایی، عملیات دریایی، کنترل دریایی، نمایش قدرت، دیپلماسی ناوچه توپدار

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مدیریت دفاعی، عضو هیئت علمی و رئیس گروه آموزش‌های تخصصی دریایی آجا.

## مقدمه

مقام عظمای ولایت در مهرماه سال ۱۳۸۸ در مراسم اعطای سردوشی و دانش آموختگی دانشگاه‌های افسری آجا در دانشگاه علوم دریایی حضرت امام خمینی (ره) چنین فرمودند:  
 "نیروی دریایی در بسیاری از نقاط عالم و در کشور ما یک نیروی راهبردی است و باید به چشم یک نیروی راهبردی به نیروی دریایی نگریسته شود." سخنان فرماندهی معظم کل قوا در خصوص نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نشان از اشراف معظم له به مسائل جهانی دارد.

قبل از ادامه بحث لازم است ابتدا به انواع کاربردهای قدرت دریایی در دنیا پردازیم که در یک بخش کاربردهای قدرت دریایی به طور عام و در سوی دیگر کاربردهای نظامی قدرت دریایی قرار دارد.

## کاربردهای قدرت دریایی<sup>۱</sup>

۱. عملیات نظامی<sup>۲</sup>

۲. اجرای عملیات انتظامی یا پلیسی<sup>۳</sup>

۳. اجرای عملیات امدادی و صلح جویانه<sup>۴</sup>

## کاربردهای نظامی قدرت دریایی<sup>۵</sup>

کاربردهای نظامی از قدرت دریایی را می‌توان به دو زیرمجموعه تقسیم نمود:

الف- کاربرد نظامی از طریق دریا<sup>۶</sup> (نمایش قدرت)

ب- کاربرد نظامی در دریا<sup>۷</sup> (کنترل دریایی)

1- Maritime power application

2- Military operations

3- constabulary operations

4- Benign operations

۵- سیاری حبیب‌الله- طحانی غلامرضا- راهبردهای قدرت دریایی ۱۳۸۸

6- From the sea (power projection)

7- At sea (sea control)

## الف - کاربردهای نظامی قدرت دریایی از طریق دریا:

- **بازدارندگی هسته‌ای<sup>۱</sup>**. کشورهای دارای قدرت دریایی نظامی قوی همانند آمریکا و روسیه، دارای زیردریایی‌های اتمی هستند که قادرند موشک‌های بالستیک دارای کلاهک اتمی را حمل نمایند. این کشورها از زیردریایی‌های مذکور جهت استفاده در اجرای ضربه دوم<sup>۲</sup> استفاده می‌نمایند. زیرا این گونه زیردریایی‌ها قادرند به مدت طولانی در دریا حضور داشته، بدون آنکه کشف شوند.

- **اجرای عملیات رزمی بر علیه دشمن در زمین<sup>۳</sup>**. قدرت دریایی را می‌توان از طریق دریا بر علیه دشمنی که در خشکی مستقر است اعمال نمود. این عملیات را می‌توان با بکارگیری هواپیماهای سازمانی، زیردریایی‌ها، موشک‌های سطح به سطح، پشتیبانی آتش دریایی (NGS)<sup>۴</sup>، نیروهای آبخاکی و نیروهای عملیات ویژه اجرا نمود.

حضور نیروهای دریایی در اطراف جزایر و یا سواحل خاصی از دشمن باعث خواهد شد، تا دشمن فریب خورده و تعداد کثیری از نیروهای خود را جهت دفاع از آن نواحی به کار گیرد و در نتیجه نتواند آن نیروها را در جای دیگر به کار گیرد.

(عملیات نمایش آبخاکی ژنرال نورمن شوارتسکوف آمریکایی در جنگ اول خلیج فارس و آزادسازی کویت<sup>۵</sup>)

- **اجرای عملیات رزمی در دفاع از نیروهای ساحلی<sup>۶</sup>**. نیروهای دریایی قادرند با ایجاد یک سد دفاعی از نیروهای مستقر در ساحل و یا مناطق ساحلی خودی دفاع نمایند. این دفاع می‌تواند به صورت دفاع هوایی و پشتیبانی لجستیک باشد.

- **عملیات تخلیه عوامل غیر نظامی<sup>۷</sup>**. نیروهای دریایی قادرند تا از طریق انجام عملیات آبخاکی در عملیات تخلیه عوامل غیر رزمی (NEO)<sup>۱</sup> شرکت نمایند. ممکن است شرایطی

1 - Nuclear Deterrence

2 - Second Blow(second strike)

3 - Combat operations against the land

4 - Naval Gunfire Support

۵ - طحانی غلامرضا-داناپوسی عبدالرضا- تجزیه و تحلیل جنگ‌های دریایی ۱۳۸۸

6-Combat Operation in Defense of forces Ashore

7 - Evacuation operation

پیش آید که باندهای پروازی ساحلی و بنادر موجود، غیر قابل استفاده شوند در چنین شرایطی نیروهای آبخاکی قادرند تا با ایجاد یک مسیر آبی و با ایجاد سرپل در ساحل نسبت به تخلیه نیروها و یا عوامل غیر نظامی اقدام نمایند.

- **استفاده از نیروی دریایی در حمایت از سیاست**<sup>۲</sup>. می توان از نیروی دریایی به عنوان یک ابزار دیپلماتیک در پشتیبانی از سیاست خارجی کشور استفاده نمود. بدون آنکه نیازی به فعالیت های نظامی یا سیاسی جهت حل بحران ها به عمل آید. کفایت که در مراحل اولیه شروع بحران، نیروهای دریایی در منطقه ای استقرار یابند. استقرار این نیروها به نوبه خود، باعث بازدارندگی و تحمیل خواسته ها از طرف کشور دارای قدرت برتر دریایی است.

حضور ناوهای خودی در کشورهای خارجی خود بیانگر قدرت دریایی کشور صاحب پرچم است و می تواند این ایده را به ملت آن کشور القاء نماید که چنین قدرتی وجود دارد. در این حالت هیچ تهدید نظامی وجود ندارد و ناوهای حضور یافته به عنوان سفیران کشور خود عمل می نمایند.

- **عملیات پشتیبانی از صلح**<sup>۳</sup>. نیروهای دریایی قادرند تا زیر نظر سازمان ملل در هر کجای دنیا که لازم باشد جهت عملیات حفظ صلح و یا ایجاد صلح وارد عمل شوند. از جمله عملیات هایی که نیروی دریایی می تواند در این راستا به انجام رساند عبارتند از: اعمال تحریم ها علیه یک کشور، توقیف کشتی های تجاری، کنترل بر آتش بس دریایی، کنترل بر فضای مناطق پرواز ممنوع که توسط سازمان ملل تعیین می گردد و...

#### **اعمال قدرت دریایی در دریا:**

- **عملیات بر علیه نیروهای دشمن**<sup>۴</sup>.

۱. **ایجاد سد و موانع در برابر نیروهای دریایی و کشتیرانی تجاری دشمن**. یعنی این که به دشمن اجازه داده نشود تا از توان خود در جهت استفاده از نیروی دریایی و همچنین

---

1- Non-combatant Evacuation operations

2- Naval force in support of diplomacy

3- Peace Support Operations

4- Operations Against Enemy Forces

جابجایی بار و تجهیزات و ایجاد تجارت دریایی استفاده نماید و از این طریق توان راهبردی او را در جهت اداره جنگ کاهش داد.

۲. **محاصره دریایی**<sup>۱</sup>. یعنی این که به دشمن اجازه داده نشود تا آب‌ها و یا سواحل خود را ترک نموده و یا بالعکس هیچ نیروی کمکی (تجاری و نظامی) نتواند به سواحل دشمن وارد شود.

از نظر راهبردی، محاصره دریایی می‌تواند شکل پیشرفته‌ای از تحریم باشد و در خلال جنگ می‌توان با استفاده از قدرت دریایی یک سد محکم ایجاد نمود تا دشمن نتواند آنقدر قوی شود تا به جنگ ادامه دهد.

۳. **ایجاد موانع توسط عملیات ایدایی**<sup>۲</sup>. با استفاده از نیروی دریایی می‌توان منافع و یا نقاط حساسی در خاک دشمن را مورد تهدید قرار داد، این عمل به نوبه خود، به عنوان یک سد و مانع در برابر دشمن عمل می‌نماید، زیرا افکار دشمن منحرف شده و بخش وسیعی از توان خود را صرف دفاع از نقاط مورد تهدید می‌نماید.

۴. **عملیات کنترل دریایی ناحیه‌ای**<sup>۳</sup>. این عملیات اغلب به صورت ایستا و ثابت بوده و با بکارگیری رادارهای مراقبت و شناسایی برد بلند و سامانه‌های سلاح مربوطه، بخش وسیعی از دریا را تحت پوشش قرار می‌دهد. این رادارها و سلاح‌ها نیز اغلب، ناوها، هواپیماها و زیردریایی‌هایی از دشمن را مورد هدف قرار می‌دهند که قصد حمله به سواحل خودی یا کشورهای دوست را دارند.

۵. **ایجاد و حفظ مناطق انحصاری**<sup>۴</sup>. گرچه ایجاد مناطق انحصاری نظامی از نظر قوانین بین‌المللی پذیرفته نمی‌باشد، اما ایجاد چنین مناطقی هم کاربرد نظامی و هم کاربرد سیاسی دارد. در مواقع بروز جنگ و بحران در یک منطقه، با اعلام رسمی مناطق ممنوعه و انحصاری، وظیفه کنترل دریایی در نواحی خاص آسان‌تر می‌شود.

1- Blockade

2- Containment by Distraction

3- Area Sea Control Operations

4- Establishment and Maintenance of Exclusion Zones

۶- **عملیات پیش قراول یا (جلودار)**<sup>۱</sup>. نیروی دریایی می تواند این گونه عملیات را در جلوتر از یگان های اصلی نیرو انجام دهد تا نسبت به انجام عملیات مین رویی و یا ضد زیردریایی اقدام نمایند. این عملیات ممکن است در نواحی ساحلی، جهت کاهش خطرات تا سطح قابل قبول، وقت گیر باشد. می توان از این نیروها برای انجام عملیات فریب نیز استفاده نمود.

۷- **دفاع لایه ای**<sup>۲</sup> (**حفاظ نزدیک و حفاظ دور**): دفاع لایه ای به معنی تشکیل حفاظ برای حفاظت از یک یگان مهم است که در آن وظایف دفاع هوایی، ضد زیرسطحی و ضد سطحی به یگان های خاصی واگذار می گردد. همچنین ممکن است یک منطقه مهم به چند منطقه گشت تقسیم شده و یگان هایی جهت گشت در هر منطقه اختصاص یابند.

\* **حفاظت از تجارت دریایی**<sup>۳</sup>: نیروی دریایی می تواند در زمان جنگ به روش های مختلف زیر نسبت به حفاظت از تجارت دریایی اقدام نماید:

#### **الف- کنترل خطوط کشتیرانی توسط نیروی دریایی (NCS).**<sup>۴</sup>

اگر خطوط تجاری کشتیرانی مورد تهدید واقع شوند نیروی دریایی با به کارگیری یگان های خود می تواند نسبت به کنترل و شناسایی کشتی های تجاری در منطقه ای خاص اقدام نماید.

**ب - تشکیل کاروان**<sup>۵</sup>: زمانی که یک خطر جدی، تجارت دریایی را تهدید کند، تشکیل کاروان روش آزمایش شده ای برای کاهش خطرات می باشد، اگر تعدادی کشتی به طور متمرکز در یک کاروان جمع شوند، منطقه ای که می بایست تحت کنترل قرار گیرد و هم چنین مدت زمان مورد نیاز برای حفاظت از خطوط کشتیرانی به حداقل کاهش می یابد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 2- Pre-cursor Operating
- 2 -Layered Defense
- 3 -Protection of Maritime Trade
- 4 -Naval Control of shipping
- 5 - Convoying(convoy-escorting)

تشکیل کاروان<sup>۱</sup>، کار مهاجمین را مشکل تر می سازد و در عوض کار یگان های اسکورت کننده را ساده تر می نماید.

بعضی اوقات افسران نیروی دریایی نسبت به کاربرد کاروان مُرَدَد و دو دل هستند و بر این عقیده می باشند که با پیشرفت علم و فناوری، تشکیل کاروان های تجاری بی فایده است. همین ایده در جنگ جهانی دوم نیز حاکم بود، اما تشکیل کاروان های تجاری انگلیسی در سال ۱۹۱۷ گر چه دیر انجام شد، اما باعث نجات کشتی های تجاری انگلیسی در برابر زیردریایی های U-boat آلمانی گردید. در جنگ جهانی دوم نیز فرماندهان زیردریایی های آلمانی، تنها زمانی موفق به اجرای مأموریت خود بودند که کشتی هایی که به طور مستقل دریانوردی می کردند.

**۳- اسکورت دور و نزدیک<sup>۲</sup>:** اگر در منطقه ای تنش وجود دارد و یا دزدی دریایی صورت می گیرد و یا خطر حمله نیروهای نامنظم وجود دارد، نیروی دریایی می تواند در صحنه حاضر شده و حملات را دفع نماید.

اگر تهدید بزرگتر باشد می توان اسکورت دور و یا نزدیک تشکیل داد. در اسکورت دور، نیروهای دریایی می توانند از طریق مراقبت و شناسایی و هم چنین استقرار در حوالی محل تمرکز کشتی های تجاری، نسبت به حفاظت از آنها اقدام نمایند ولی در اسکورت نزدیک می توانند در نزدیکی کشتی های مشخص شده استقرار یابند.

### کاربرد پلیسی یا انتظامی قدرت دریایی

اعمال توقیف<sup>۳</sup> تحریم اقتصادی<sup>۴</sup> و قرنطینه<sup>۵</sup> از جمله عملیاتی هستند که زیر نظر سازمان ملل متحد در سراسر دنیا انجام می شوند. میزان استفاده از نیروها و سطح نیروهای نظامی شرکت کننده می بایست از طرف سازمان ملل تعیین شود تا هرگونه عملیاتی دارای مشروعیت باشد. قرنطینه عملیاتی است که معمولاً به منظور جلوگیری از خروج اقلامی از کالاها از یک

<sup>۱</sup> - طحانی غلامرضا-داناپوسی عبدالرضا- تجزیه و تحلیل جنگ های دریایی ۱۳۸۸

<sup>۲</sup> -Distant and Close Escort

<sup>۳</sup> -Embargo

<sup>۴</sup> -Economic sanctions

<sup>۵</sup> -Quarantine

منطقه انجام می شود. این عملیات با آنچه که محاصره گفته می شود متفاوت است، محاصره معمولاً کاربرد نظامی دارد.

### انواع دیگر کاربردهای پلیسی عبارتند از:

۱- **عملیات حفظ صلح**<sup>۱</sup>: این واژه دقیقاً به معنی استفاده از نیروهای دریایی به منظور

شرکت در عملیات میانجی گری یا نظارت است.

این نیروها با توافق طرفین درگیر، جهت پشتیبانی از تلاش هایی که برای دستیابی و حفظ صلح صورت می گیرند به کار گرفته می شوند. یک نیروی میانجی گر دریایی می تواند بر تعیین حدود مرزی دریایی و رودخانه ای نظارت داشته باشد، بر آتش بس دریایی کنترل و یا در مناطق حائل و بی طرف اقدام به گشت زنی نماید.

از کارکنان دریایی نیز می توان به عنوان نیروی حافظ صلح در روی زمین استفاده نمود.

۲- **عملیات بر علیه دزدان دریایی**<sup>۲</sup>: دزدان دریایی ممکن است از گروه های

کوچک تشکیل شوند و در آب های سرزمینی یک کشور فعالیت نمایند که در آن صورت نیروی دریایی جهت خنثی نمودن فعالیت آنها وارد عمل می شود ولی گاهی ممکن است این دزدان به صورت سازمان یافته و با سلاح های پیشرفته در آب های آزاد و یا در تنگه های راهبردی اقدام به دزدی دریایی نمایند که در این صورت تحت نظر سازمان های بین المللی، نیروی دریایی قادر است نسبت به انهدام آنها اقدام نماید. (دزدی دریایی اخیر در خلیج عدن و تنگه باب المندب)

۳- **کمک نظامی به نیروها و وزارت خانه های غیر نظامی**<sup>۳</sup>: این گونه کمک ها

شامل اعمال قانون و حفظ نظم و آرامش در خطوط ساحلی است. مثلاً حفاظت از صید، کمک به گمرک (مخصوصاً در مورد جلوگیری از ورود مواد مخدر)، گشت زنی در اطراف سکوهای نفتی، شرکت در عملیات ضد تروریسم دریایی (MCT)<sup>۴</sup>، گشت دریایی به منظور جلوگیری از قاچاق سلاح و غیره....

<sup>1</sup> -peace keeping operating

<sup>2</sup> -Anti-piracy Operating

<sup>3</sup> -Military Assistance to the Civil power and Civil ministries

<sup>4</sup> -Maritime Counter Terrorism



### کاربرد قدرت دریایی در عملیات امدادی و صلح جویانه<sup>۱</sup>

۱) **کمک‌های انسان دوستانه و امدادی**<sup>۲</sup>: نیروی دریایی با توانمندی آماد و پشتیبانی مستقل خود قادر است به سانحه دیدگان در اثر طوفان، سیل و زلزله کمک رسانی نماید. این نیرو با داشتن بالگرد و یگان‌های شناور کوچک از انعطاف پذیری قابل توجهی در این زمینه برخوردار است.

۲) **عملیات برای ایجاد صلح و آرامش**<sup>۳</sup>: منابع آماد و پشتیبانی نیروی دریایی قادرند به صورت پایگاه‌های شناور در ایجاد و صلح و امنیت سهم باشند. برای مثال شرکت در عملیات مین جمع کنی در مناطقی که قبلاً درگیری دریایی و بحران بوده است و پاک سازی معابر دریایی و سواحل.

۳) **عملیات جستجو و نجات**<sup>۴</sup>: براساس قوانین بین‌المللی کلیه شناورها در آب‌های آزاد می‌بایست در عملیات جستجو و نجات شرکت نمایند. در نزدیکی سواحل خروجی نیز شناورهای دریایی به همراه سایر سازمان‌های غیرنظامی و وسایل پرنده، پوشش خوبی از سواحل کشور خودی به عمل می‌آورند.

۴) **کمک نظامی به نهادهای غیرنظامی**: کمک‌هایی نظیر جستجو و نجات، کمک به سانحه دیدگان، نجات کشتی‌های صدمه دیده، کشف و خنثی سازی مواد منفجره، کنترل آلودگی محیط زیست، تحقیقات آبنگاری و غیره.

۵) **کمک به کشورهای خارجی و کشورهای مشترک المنافع**<sup>۵</sup>: نیروی دریایی می‌بایست این توانمندی را داشته باشد تا خدمات آموزشی را به سایر کشورها و یا کشورهای متحد، ارائه نماید و به طور معمول این کار را از طریق تبادل دانشجو انجام می‌دهد. هم‌چنین با طراحی و اجرای رزمایش‌های مشترک تبادل اطلاعات نموده و از این طریق نسبت به توسعه نیروی دریایی خود اقدام نماید.

<sup>۱</sup> - سیاری حبیب‌الله - طحانی غلامرضا - راهبردهای قدرت دریایی ۱۳۸۸

<sup>۲</sup> -Humanitarian and Disaster Relief

<sup>۳</sup> -Peace Building Operations

<sup>۴</sup> -Search And Rescue

<sup>۵</sup> -Military Assistance to Foreign and Common Wealth Governments.

گذشته از مطالب بالا، به طور معمول می توان، کاربرد قدرت دریایی را به صورت زیر تشریح

نمود:

### ۱. دیپلماسی ناوچه توپدار (Gunboat Diplomacy)

برای تحمیل اراده سیاسی در زمان صلح و به هنگام تیره شدن روابط بین المللی و وضعیت های آماده جنگ، اکثر کشورها از نیروی دریایی خود به عنوان وسیله ای برای اعمال فشار به کشور متخاصم که از نظر توان دریایی ضعیف تر است، استفاده می کنند، که به این عمل " دیپلماسی ناوچه توپدار " می گویند.

اصطلاح جدیدی که در سال های اخیر جایگزین مفهوم فوق شده، نمایش قدرت<sup>۱</sup> می باشد که در قسمت های بعدی به تشریح آن می پردازیم.

### دیپلماسی ناوچه توپدار<sup>۲</sup>

در صحنه سیاست بین المللی، دیپلماسی ناوچه توپدار به پیگیری اهداف سیاست خارجی اطلاق می گردد که با نمایش آشکار قدرت نظامی همراه است.

به عبارت دیگر به کارگیری نیروی نظامی جهت اعمال تهدید مستقیم به جنگ، که ممکن است برای یک نیروی برتر خوشایند نباشد.

این واژه از دوران امپراطوران اروپایی که با یکدیگر در حال جنگ بودند، آمده است، زمانی که نمایش قدرت شامل به نمایش در آوردن قدرت نیروهای دریایی بود، ناوچه های توپدار نمونه پیشرفته ای از ناوهای جنگی بودند که نماد و سمبل یک نیروی نظامی پیشرفته به شمار می رفتند. کشور مذاکره کننده

با قدرت های اروپایی (معمولاً بر سر مسایل تجاری) می بایست این موضوع را مد نظر قرار می داد که ناوهای جنگی یا ناوگانی از کشتی ها در نزدیکی سواحل خود ظاهر خواهد شد. صرف ظاهر شدن چنین نیرویی اثرات قابل ملاحظه ای داشت و برای چنین ناوچه هایی، به ندرت لازم می شد تا سایر اقدامات مثلاً به نمایش گذاشتن آتش توپخانه را انجام دهند.

<sup>۱</sup> - Power Projection

<sup>۲</sup>. Gun boat diplomacy

نظریه پردازان آمریکایی معتقدند که نیروی دریایی در اکثر دوره‌های تاریخی از بازوهای بلند امپراطوری‌ها محسوب می‌گردید و ما این سنت را در قرن بیست و یکم نیز تحمیل خواهیم کرد. ایشان در اثبات نظریه خویش به ذکر مثالی اشاره می‌کنند که:

" اگر به گروهی از مردم خاورمیانه و آفریقا بگوئید که ده نفر متخصص در یک پایگاه موشکی به شدت مشغول فعالیت هستند، هیچ واکنشی نشان نمی‌دهند زیرا برای آنها مهم نیست و یا حتی آنها نمی‌دانند که آن پایگاه کجای کره زمین قرار دارد؟ ولی اگر به همان مردم یک ناو جنگی را در سواحل خودشان نشان دهیم بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

یک نمونه قابل توجه و بحث برانگیز از دیپلماسی ناوچه توپدار در مورد واقعه دن پاسیفیک<sup>۱</sup> در سال ۱۸۵۰ بود، که در آن وزیر امور خارجه بریتانیا، لرد پالمرستون<sup>۲</sup>، ناوگروهی از ناوهای نیروی دریایی را برای محاصره بندر پیرواس<sup>۳</sup> یونان اعزام نمود. این اقدام به تلافی صدمه‌ای بود که به یک شهروند بریتانیایی به نام آقای دیوید پاسیفیکو<sup>۴</sup> در آتن وارد آمده بود و اقدامات دولت کینگ اوتو<sup>۵</sup> برای جبران خسارات به جایی نرسیده بود.

اثر بخشی یک چنین نمایش ساده‌ای از قدرت توانمندی‌های یک کشور به این معنی است که کشورهای دارای قدرت نیروی دریایی، مخصوصاً بریتانیا، می‌توانستند پایگاه‌های نظامی را در سراسر دنیا ایجاد نمایند (برای مثال، دیگو گارسیا در اقیانوس هند) و روابط سودمند اقتصادی را با سایر کشورها برقرار نمایند. جدایی از پیروزی نظامی، دیپلماسی ناوچه توپدار به‌عنوان بهترین روش برای ایجاد شرکای تجاری جدید، پایگاه‌های نظامی مستعمره‌ای و در نهایت توسعه و گسترش امپراطوری بود.

امپراطوری‌های اروپایی متوجه این نکته شدند که به واسطه کمبود منابع و عدم پیشرفت‌های فناوری آنها و روابط دوستانه آنها در مواجهه شدن با چنین فشارهایی به‌سادگی از بین خواهد رفت،

<sup>۱</sup>. Don Pacifico

<sup>۲</sup>. lord palmer Ston

<sup>۳</sup>. Piraeus

<sup>۴</sup>. David Pacifico

<sup>۵</sup>. king Otto

بنابراین به این نتیجه رسیدند که برای دستیابی به مواد خام و بازارهای جهانی می‌بایست به کشورهای پادشاهی متکی باشند.

آقای جیمز کیبل<sup>۱</sup> یک دیپلمات بریتانیایی و متفکر نیروی دریایی، ماهیت دیپلماسی ناوچه توپدار را در پاره‌ای از آثارش در فاصله سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۴ تشریح نموده است. در این آثار، او پدیده ناوچه توپدار را به‌عنوان کاربرد یا تهدید محدود توسط نیروی دریایی می‌داند (به غیر از کاربرد نظامی و جنگی) تا منافع خود را تضمین نموده و از ضرر و زیان جلوگیری به‌عمل آورد و یا یک دعوی بین‌المللی و مسائلی از این قبیل را در برابر ملل خارجی در داخل خاک آنها و یا در حوزه قضایی آنها به پیش ببرد. او همچنین مفهوم ناوچه توپدار را به چهار حوزه اصلی تقسیم می‌نماید:

✓ نیروی نهایی و قطعی<sup>۲</sup>: (نیروی تعیین کننده/ نیروی سرنوشت‌ساز)

کاربرد دیپلماسی ناوچه توپدار برای ایجاد و یا از بین بردن یک سرنوشت و یا پدیده محتوم و حتمی.

✓ نیروی مصمم و جدی<sup>۳</sup>: (نیروی هدف‌گرا)

کاربرد نیروی دریایی برای تغییر سیاست یا ویژگی دولت یا گروه هدف.

✓ نیروی شتاب دهنده<sup>۴</sup>:

فرایند طراحی شده‌ای که فضای کافی جهت تنفس را فراهم نموده و میدان انتخاب را برای سیاست‌گذاران افزایش دهد.

✓ نیروی معنی‌دار گویا<sup>۵</sup>: (حضور معنی‌دار)

کاربرد نیروی دریایی برای ارسال پیام‌های سیاسی (به‌طور جالب توجهی این جنبه از دیپلماسی ناوچه توپدار مورد توجه آقای کیبل نبوده و فراموش شده است).

<sup>۱</sup>. James Cable

<sup>۲</sup>. Definitive force

<sup>۳</sup>. Purposeful force

<sup>۴</sup>. Catalytic force

<sup>۵</sup>. Expressive force

دیپلماسی ناوچه‌های توپدار بر خلاف نظریاتی بود که قبل از قرن هجدهم میلادی توسط هوگو گروتیوس<sup>۱</sup> مطرح شده بود، وی معتقد بود توسل به زور می‌بایست به‌طور ذاتی محدود شود.

### شرایط و اوضاع و احوال جدید

ناوهای هواپیما بر کلاس نیمیتز<sup>۲</sup> قدرتمندترین ناوهای مدرنی هستند که در حال حاضر در خدمت نیروی دریایی ایالات متحده بوده و نشان‌دهنده دانش تخصصی آمریکا در مهندسی کشتی می‌باشند.

هواپیماهای مدرن آواکس<sup>۳</sup> (E-3 AWACS) به‌عنوان بخشی از دیپلماسی ناوچه توپدار به کار می‌روند.

دیپلماسی ناوچه توپدار به‌عنوان شکلی از سلطه و برتری تلقی می‌شود. همان‌گونه که ایالات متحده در دهه اول قرن بیستم، تبدیل به یک قدرت نظامی گردید، دیپلماسی ناوچه توپدار در دوران روزولت به‌عنوان دیپلماسی چماق بزرگ تا حدودی توسط دیپلماسی دلار جایگزین گردید. (جایگزین کردن چماق بزرگ با هویج توسط سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران خصوصی آمریکا). اما سیاست دیپلماسی ناوچه توپدار در سال ۱۹۱۴ و در دوران ریاست جمهوری ویلسون، در خلال انقلاب مکزیک به‌ویژه در مورد حمله نیروی زمینی ایالات متحده و اشغال وراکروز<sup>۴</sup> به‌طور عملی و آشکار اتفاق افتاد.

دیپلماسی ناوچه توپدار پس از جنگ سرد، به‌واسطه برتری قدرت نیروی دریایی ایالات متحده، اکثراً بر نیروی دریایی استوار بود. دولت ایالات متحده به‌طور دائم موقعیت ناوگان‌های دریایی خود را تغییر می‌داد تا بر افکار پایتخت‌های خارجی تأثیر گذار باشد. در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون (با اتحاد دولت تونی بلر در بریتانیا) لحظات دیپلماتیک خیلی حساس‌تر در جنگ یوگسلاوی و در جاهای دیگر بوجود آمد. در جنگ بالکان (ناتو در یوگسلاوی) با استفاده

۱. Hugo Grotius

۲. Nimitz class carriers

۳. AWACS (Airborne Warning And Control System)

Airborne radar system which detects low-flying aircraft; aircraft outfitted with such a system.

۴. VERACRUZ

از موشک‌های دریایی تام هاوک<sup>۱</sup>، و هواپیماهای آواکس E-3 که یک هواپیمای مراقبت و شناسایی هوایی است، به‌عنوان نمایی از حضور نظامی به‌صورت غیر عامل استفاده شد. اکنون واژه دیپلماسی ناوچه توپدار در بسیاری از محافل تغییر یافته و به واژه نمایش قدرت<sup>۲</sup> تبدیل شده است.

### نمایش قدرت (Power projection)

نمایش قدرت واژه‌ای است که به‌طور کلی در نیروهای مسلح آمریکا و علوم سیاسی آمریکایی استفاده می‌شود و به ظرفیت یک کشور جهت اقدام به جنگ در خارج از مرزهای خود<sup>۳</sup> اطلاق می‌گردد، به عبارت دیگر، اعمال سیاست با استفاده از زور، یا اعمال تهدید در منطقه‌ای دور از سرزمین خود.

وزارت جنگ آمریکا در کتاب J1-02، فرهنگ واژگان و لغات نظامی خود، واژه نمایش

قدرت را به‌شرح ذیل تعریف می‌نماید:

توان یک کشور در به‌کارگیری تمام یا قسمتی از عناصر قدرت ملی خود (سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی یا نظامی) در استقرار سریع و مؤثر نیروها در مناطق مختلف و پراکنده، جهت مقابله با بحران‌ها و شرکت در عملیات بازدارندگی و تقویت ثبات منطقه‌ای.

این توان یک عامل حیاتی از قدرت یک کشور در روابط بین‌المللی است. هر کشوری بتواند نیروهای نظامی خود را به‌طرف خارج از مرزهای خود هدایت کند به آن کشور می‌توان گفت که دارای سطحی از توانمندی‌های نمایش قدرت می‌باشد، اما این واژه زمانی به‌کار می‌رود که نیروهای یک کشور به هم‌آب‌های جهان دسترسی داشته باشند (یا حداقل دور تر از خاک اصلی کشور). هر کشور دارای یک توان نظامی قوی و بزرگ باشد (مثلاً یک نیروی زمینی قوی) اثرگذاری منطقه‌ای آن به‌صورت محدود نمایان می‌شود، زیرا این نیروها وسایل و منابع نمایش قدرت را در سطح جهانی ندارند. معمولاً، تنها تعداد اندکی از کشورها قادرند تا بر مشکلات ناشی از پشتیبانی یک نیروی قوی نظامی و مکانیزه که جزء طبیعت این نیروهاست، فائق آیند.

<sup>۱</sup>.Tama hawk

<sup>۲</sup>. Power Projection(force projection)

<sup>۳</sup>. Expeditionary warfare

در حالی که، اقدامات سنتی نمایش قدرت عموماً بر استفاده از امکانات نظامی سخت<sup>۱</sup> متمرکز است (تانک‌ها، سربازان، هواپیما، شناورهای نیروی دریایی و غیره)، تئوری در حال توسعه قدرت نرم<sup>۲</sup> بر این نکته تاکید می‌کند که نمایش قدرت لزوماً در به کارگیری نیروهای نظامی به صورت عامل در جنگ اطلاق نمی‌گردد زیرا می‌توان از امکانات موجود برای نمایش قدرت به صورت دوگانه نیز استفاده نمود، همان‌گونه که در زلزله اقیانوس هند در سال ۲۰۰۴ نیروهای نظامی کشورهای مختلف برای مردم یاری، و ارائه کمک‌های انسان‌دوستانه در منطقه مستقر شدند. توان یک کشور در به کارگیری نیروهای خود در داخل یک منطقه ممکن است به عنوان یک اهرم سیاسی عمل کند و بر فرآیند تصمیم‌گیری اثرگذار بوده و به عنوان یک عامل بازدارنده بالقوه بر رفتار سایر کشورها عمل نماید.

### عناصر نمایش قدرت<sup>۳</sup>

توانمندی پرواز بین قاره‌ای توان حمل مقدار زیادی محموله، هواپیماهای گالاکسی C-5<sup>۴</sup> را تبدیل به یک وسیله بسیار مهم جهت انتقال و استقرار نیروی نظامی در جهان نموده است. همان‌طور که فاصله بین نیروهای در حال جنگ و ستاد مرکزی آنها بیشتر می‌شود، به‌طور اجتناب‌ناپذیری فرماندهی و کنترل<sup>۵</sup> نیز مشکل‌تر خواهد شد. امروزه یک نمایش قدرت مدرن، اغلب از سامانه‌های ارتباطی با فناوری بالا و فن‌آوری اطلاعات<sup>۶</sup> جهت غلبه بر این مشکلات استفاده می‌نماید. فرآیندی که بعضی اوقات آنرا انقلاب در امور نظامی (RMA)<sup>۷</sup> می‌دانند. در حالی که تعداد اندکی از سلاح‌های برد بلند مثل موشک‌های بالستیک بین قاره‌ای (ICBMs)<sup>۸</sup> و انواع خاصی از موشک‌های کروز قادرند فشار و نیروی مرگ‌آوری را به نفع نیروهای خودی بر دشمن وارد سازند. اکثر بحث‌های مربوط به نمایش قدرت حول محور مسائل و مشکلات پشتیبانی

۱. Hard power
۲. Soft power
۳. Elements of power projection
۴. C-5 galaxy
۵. Command and control
۶. Information technology
۷. Revolution in military Affairs
۸. Intercontinental Ballistic Missiles

نظامی متمرکز است. توان لازم جهت منسجم نمودن نیروهای دریایی، هوایی و زمینی به عنوان قسمتی از یک نیروی رزمی مشترک به عنوان یک عامل مهم در نمایش قدرت مؤثر و کارا محسوب می گردد، توان یک کشور جهت ترابری هوایی<sup>۱</sup> و دریایی<sup>۲</sup> آن کشور را قادر می سازد تا واحدهایی از سربازان و سلاح های آنها را در مسافت های دور به کار گیرد، کاری که نیروهای زمینی به راحتی از عهده آن بر نمی آیند. ناوگروه رزمی ناوهای هواپیمابر، بمب افکن های راهبردی، زیردریائی های حامل موشک های بالستیک و ترابری هوایی راهبردی، نمونه هایی از امکانات نمایش قدرت محسوب می گردند. واحدهای نظامی به گونه ای طراحی شده اند که سبک و متحرک باشند، همانند نیروهای هوایر (چتربازان و نیروهای آفندی هوایی) و نیروهای هجومی آبخاکی که در نمایش قدرت کاربرد زیادی دارند. ایجاد پایگاه های خط مقدم<sup>۳</sup>، روش دیگری از نمایش قدرت است که واحدهای نظامی یا حجم انبوهی از سلاح ها در پایگاه های نظامی که در نقاط راهبردی در خارج از قلمرو یک کشور قرار دارند، مستقر می شوند، تا زمان و فاصله بسیج نمودن آنها برای رزم در یک صحنه جنگ<sup>۴</sup> دور دست کاهش یابد.

### مثال ها:

کشورهای چین و هند در پی آن هستند که اثر نفوذ خود را در جهان افزایش دهند. اخیراً کشور هندوستان ناو هواپیمابر روسی آدمیرال گورشکوف<sup>۵</sup> را خریداری نموده تا به توانمندی های خود در اجرای نمایش قدرت بیفزاید.

در جنگ بین روسیه و ژاپن در سال های ۱۹۰۵-۱۹۰۴، ژاپنی ها ناوگان نیروی دریایی سلطنتی روسیه را در اقیانوس آرام منهدم نمودند و این شکست، نشان دهنده عدم توانایی روسیه در اجرای عملیات نمایش قدرت در شرق بود. شکست ناوگان روسیه باعث از بین رفتن نفوذ دیپلماتیک آن کشور در منطقه هم شد. هم زمان ارتش های غربی روسیه هم، به واسطه آن که بسیج آنها دچار ضعف های سازمانی شده بود دچار بی نظمی و آشوب گردیدند و در نتیجه اعتبار و اعتماد خود را

<sup>۱</sup>.Air lift

<sup>۲</sup>.Sea lift

<sup>۳</sup>. Forward Basing

<sup>۴</sup>.Theater of war

<sup>۵</sup>.Admiral GORSHKOV



از دست دادند. در حین ادامه جنگ جهانی دوم توسط متحدین و متفقین، رئیس ستاد مشترک ارتش آلمان نازی آقای کانت آلفرد وان اشلیفن<sup>۱</sup> با پی بردن به موارد مذکور به این جمع‌بندی رسید که روسیه توان اجرای نمایش قدرت در اروپا را ندارد، بنابراین جایگاه روسیه به‌طور اتوماتیک در روابط دیپلماتیک اروپایی کاهش یافت.

در طول تاریخ می‌توان عملیات متعدد دیگری را هم به‌عنوان نمایش قدرت فرض نمود. برای مثال، قرن نوزدهم مملو از این حوادث است که عملیات بمباران کاگوشیما<sup>۲</sup> و شورشیان باکسر<sup>۳</sup> در سال ۱۸۶۴ از بارزترین آنها می‌باشند. نبرد فالکلند، نمونه‌ای است که در قرن معاصر (۱۹۸۲م) اتفاق افتاد و در آن بریتانیا توان خود را در اجرای نمایش قدرت در مسافتی بسیار دور از سرزمین اصلی (۸۰۰۰ مایل) به نمایش گذاشت. در حال حاضر توان نیروی دریایی ایالات متحده، نیروی دریایی سلطنتی انگلیس و نیروی دریایی فرانسه (یا به‌طور کلی ناتو) برای استقرار تعداد زیادی از ناوهای جنگی به مدت طولانی در مسافت‌های دور، برای نمایش قدرت، منحصر به فرد می‌باشد. در میان کشورهای آسیایی، جمهوری خلق چین و هند در حال افزایش توانایی‌های خود در زمینه اجرای نمایش قدرت از طریق دریا می‌باشند.

#### نتیجه:

در دنیای امروز، دریا برای ملت‌ها، عامل مهم زندگی است و هیچ کشور ساحلی نیست که منافی در دریا نداشته باشد. مردمی که از دریا دورند، فاقد یکی از مهم‌ترین روزه‌های ارتباطی با دنیای خارج خود هستند.

دریا از دیدگاه نظامی و تجاری، نقش بسیار مهمی در قدرت و توانایی کشورها در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات در همه زمینه‌ها ایفا می‌کند. دستیابی به قدرت و سیادت دریایی می‌تواند کشورها را در حفظ و امنیت مرزها و نیز بالا بردن توان اقتصادی و سیاسی یاری نماید. این مسئله موجب گردیده تا کشورهایی که به آب‌های آزاد دسترسی داشته و یا دارای مرز آبی مشترکی با دیگر کشورها هستند، در جهت رسیدن به قدرت و سیادت دریایی تلاش نمایند و در این راستا برنامه‌ریزی‌های عظیم و منسجمی پیش‌بینی و به اجرا در آوردند.

<sup>۱</sup>.Count Alfred von stiffen

<sup>۲</sup>.KAGOSHIMA

<sup>۳</sup>.BOXER

با وجود منابع حیاتی و اقتصادی کلان جمهوری اسلامی ایران در آبهای خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر، به سهولت می‌توان دریافت که چه قدرت‌های مجهزی در حال و آینده منافع حیاتی کشورمان را در دریا تهدید می‌کنند و اگر کشورمان یک قدرت دریایی کارآمد (که کلیه عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن را نیز در اختیار دارد)، نداشته باشد، قطعاً از نظر امنیت، اقتصاد، توسعه، ثبات و رفاه عمومی به شکل جدی در معرض خطر قرار خواهد گرفت. لذا به لحاظ حفظ منافع و دفاع از آب‌ها و مرزهای دریایی کشور، داشتن یک نیروی دریایی مقتدر و کارآمد ضروری می‌باشد.

گسترش مأموریت نیروی دریایی در آب‌های اقیانوسی و حضور مؤثر در صحنه دفاع از منافع ملی در خلیج عدن و تنگه باب‌المندب، مؤلفه راهبردی بودن نادجا را ایجاد کرد و باعث شد توجه دشمن از تنگه هرمز به تنگه باب‌المندب تغییر جهت داده و به اصطلاح، دانسیته آمریکا در منطقه مجاور آب‌های سرزمینی جمهوری اسلامی ایران کاهش یابد و این مورد یکی از مصادیق کاربرد قدرت دریایی می‌باشد.

#### منابع:

۱. سیاری، حبیب‌الله؛ طحانی، غلامرضا (۱۳۸۸). راهبردهای قدرت دریایی. دافوس آجا.
۲. سیاری، حبیب‌الله؛ طحانی، غلامرضا (۱۳۸۸). طرح‌ریزی عملیات دریایی. دافوس آجا.
۳. طحانی، غلامرضا؛ داناوسی، عبدالرضا (۱۳۸۸). تجزیه و تحلیل جنگ‌های دریایی دافوس آجا.

#### 4. The fundamental of naval British doctrine.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی